



«  
دکتر مرتضی کرمی  
عضو هیئت علمی  
دانشگاه فردوسی:  
نوع کار کردی که در  
آموزش متوسطه  
قائل هستم  
نوعی عام‌گرایی  
است در مقابل  
تخصص‌گرایی.

## آموزش بی‌کاری



### برش

### حس مسئولیت‌پذیری

بیشتر بچه‌ها وقتی سر کار می‌روند مسئولیت‌پذیرتر می‌شوند. بقیه هم نگاهشان به آن‌ها متفاوت می‌شود.

کم‌کم متوجه می‌شوند که پدر وقتی می‌رود سر کار چه حسی دارد. کم‌کم می‌خواهند نقش پدر را بگیرند؛ البته واقعاً درباره ارزش کار و این مسائل چیزی نمی‌دانند ولی می‌دانند می‌خواهند نقش پدر را بگیرند.

مهندس قدمگاهی، کارشناس ارشد مدیریت کارآفرینی است. او سال‌هاست یک مؤسسه مشاوره شغلی و کاربایی را می‌چرخاند و از کف بازار کار و خلأهایی که وجود دارد، مطلع است؛ همین دلیل گفت‌وگوی ما با او درباره حال و هوای متقاضیان کار به‌خصوص دانش‌آموختگان دانشگاهی شد. با ما همراه باشید.

■ **معمولاً افراد در چه سنینی به مؤسسه شما مراجعه می‌کنند؟**  
کسانی که می‌خواهند وارد بازار کار بشوند و از نظر قانونی مشکلی ندارند؛ از ۱۸ سال به بالا. در خدمات کاربایی چه در فضای مجازی و چه در فضای حقیقی، دفاتر کاربایی، پل ارتباطی هستند بین کارفرماها و متقاضیان کار. این کار هم طبق قانون انجام می‌شود و دلیل آن هم مشخص است؛ اشرافی که ما به هر دو گروه داریم. هم می‌دانیم کارفرماها چه می‌خواهند و هم نیاز متقاضیان را می‌دانیم؛ درنتیجه فرایند استخدام را تسهیل می‌کنیم.

■ **ولی خود شرکت‌ها هم گاهی آگهی استخدام می‌دهند**  
بله شرکت‌های بزرگ این کار را می‌کنند اما در مورد شرکت‌های کوچک، فرایند تبلیغ، جذب و آموزش نیرو برایشان سخت است. در واقع همکاری‌شان با دفاتر کاربایی می‌تواند در کاهش هزینه‌هایشان مؤثر باشد؛ ضمن آنکه از خدماتی که کیفیت جذب و آموزش نیرو را افزایش

چرا بازار کار، آماده‌به‌کارگیری دانش‌آموختگان نظام آموزشی کشور نیست؟

# مهارت بیاموزید و توانمند شوید



**آموزش و پرورش خیلی مهم است، سیستم مشاوره در مدارس خیلی می‌تواند به جهت‌دهی دانش‌آموزان کمک کند، اما متأسفانه حتی مشاوران خوبی هم برای این قضیه تربیت نشده‌اند. بالاخره مشاوران هم در همان نظام دانشگاهی تربیت شده‌اند. اگر بتوانیم بحث «استاد-شاگردی» را در خانواده‌ها جا بیندازیم و دوباره احیایش کنیم خیلی اتفاق مطلوبی است، چون این نظام در گذشته جواب می‌داد.**

می‌دهد هم برخوردار می‌شوند.

■ **افرادی که به شما مراجعه می‌کنند بیشتر از چه سطح سواد و مهارتی برخوردارند؟**  
سطح سوادشان متنوع است و تقریباً همه‌چیز متقاضی داریم؛ البته مؤسسه ما بیشتر روی دانشگاهی‌ها کار می‌کند. چون زمینه کار ما - چه در داخل کشور و چه در خارج - تخصصی است و افراد کم‌سواد یا بی‌سواد در این چارچوب قرار نمی‌گیرند. در داخل عمدتاً با کارخانه‌ها و واحدهای صنعتی کار می‌کنیم که معمولاً پدپلم به بالا درخواست می‌کنند.

اگر نیروها ماهر باشند و سابقه کار هم داشته باشند، شغلشان مشخص است. ولی فقط مسئله جایابی مطرح است. ولی این افراد زیاد نیستند؛ تقریباً ۲۰ تا ۳۰ درصد. حدود ۷۰ درصد مراجعان ما را عمدتاً دانش‌آموختگان دانشگاهی تشکیل می‌دهند. کارمان با این‌ها سخت‌تر است؛ چون باید برای ورود به بازار کار آماده شوند.

■ **چطور؟ مگر این افراد در دانشگاه آماده ورود به بازار کار نمی‌شوند؟**  
ببینید؛ خروجی دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی، خروجی خوب و قابل استفاده‌ای برای بازار کار نیست. چون شاخص‌های سنجش ایراد دارد. شاخص خوب بودن دانشگاه‌های ما صرفاً تعداد دانش‌آموختگان و تعداد مشغولان به تحصیل است، اما در بقیه دنیا این گونه نیست. شاخص آن‌ها تعداد دانش‌آموختگان جذب‌شده توسط بازار کار است. این نقص نظام آموزشی ماست که برای هر واحد دانشگاهی فلسفه

مسئله دوم، مسئله فرهنگ‌سازی است. اینجا باید بروید سراغ خانواده‌ها و به آن‌ها یاد بدهید بچه‌هایشان را آماده وارد شدن به بازار کار کنند. خیلی از خانواده‌ها هم مشکل اصلی‌شان اطلاع نداشتن است. خانواده‌ها باید نسبت به رشته‌های اشباع‌شده و مشاغلی غیر از مشاغل برندشده اطلاعات کسب کنند تا بتوانند به فرزندانشان آموزش بدهند. متأسفانه فراوان هستند کسانی که به ما مراجعه می‌کنند و در بهترین دانشگاه‌ها هم درس خوانده‌اند، اما اصلاً به رشته تحصیلی‌شان علاقه نداشته و بر اساس فشار خانواده، فشار جامعه و فشار دوستان رفته‌اند مدرک گرفته‌اند.

■ **در جلسات مشاوره به متقاضیان کار چه توصیه‌ای می‌کنید؟**  
معمولاً توصیه جدی من به همه مراجعه‌کننده‌ها این است که به امید سیستم دولتی نباشند؛ خودشان به فکر خودشان باشند.

■ **این «به فکر خودتان باشید» یعنی چه؟**  
وقتی می‌گوییم ما در کشورمان مشکل بیکاری داریم، یعنی چه؟ یعنی اینکه تعداد فرصت‌های شغلی از تعداد متقاضیان آماده‌به‌کار کمتر است. اما در همین شرایط که ما به‌طور جدی با این مشکل روبه‌رو هستیم، یک عده از کارفرمایان هستند که نمی‌توانند نیروی کار پیدا کنند. یعنی کارفرما احتیاج به چند نیروی باسابقه دارد ولی باسابقه‌ها بیکار نیستند.

بنابراین تعداد زیادی از این فرصت‌ها خالی می‌ماند. اگر خودشان بخواهند وارد بحث آموزش بشوند، قانون به آن‌ها اجازه نمی‌دهد.

مثلاً کارفرما می‌گوید من حاضرم این دانش‌آموخته دانشگاهی را سه ماه استخدامش کنم اما حقوقی به او ندهم. پس از سه ماه اگر ماهر شد به‌طور دائمی استخدامش می‌کنم. این قانون در خیلی از کشورها هست.

اما اینجا هیچ‌وقت به یک قانون دائمی تبدیل نشده است. اما اگر فرد به فکر خودش باشد و اراده کند مشکلی به نام بیکاری نخواهد داشت. چه‌بهرتر که فرد در زمان تحصیلش به این بلوغ برسد و توانمندی لازم را بدست آورد.

توانایی پیدا کردن شغل در گذشته فقط یک پایه داشت و آن هم مهارت بود؛ یعنی فرد ماهر مطلقاً بی‌کار نمی‌ماند. پس از انقلاب صنعتی یک پایه دیگر به شغل اضافه شد و آن هم تحصیلات بود. یعنی کارفرما‌ها می‌گشتند دنبال نیروی ماهر باسواد. امروز اما یک پایه سوم هم به شغل اضافه‌شده و آن توانمندی‌های شخصی است. توانمندی شخصی یعنی اینکه شخص، بینش، نگرش کار، قابلیت کار تیمی و توانایی کار در موقعیت فشار و استرس را داشته باشد.

انعطاف داشته باشد که بتواند خودش را با موقعیت‌های مختلف کاری تطبیق بدهد ... بچه‌ای که از دوران مدرسه شروع به‌کار و تلاش و برنامه‌ریزی کند، هرچقدر که بزرگ‌تر شود، مهارتش هم بیشتر می‌شود.

### یادداشت

## آموزش و پرورش نباید تک‌بعدی باشد



می‌خواهید به کجا برسید و با توجه به انتها، سیر و حرکت در مسیر را مشخص می‌کنند. وقتی مسیر مشخص شد، می‌توانیم جایگاه درس را در این مسیر مشخص کنیم که نقش این درس در این یادگیری‌ها چیست. در این مدل، کارکرد آموزش متوسطه یک کارکرد چندگانه است. کارکردهای چندگانه که پس از چهارسال دانش‌آموز باید به آن برسد را تصریح می‌کند و آن می‌شود نصب‌العین کتاب‌های درسی و

### مصاحبه

گفت‌وگو با یک فعال مسجدی که ترویج «فرهنگ کار» را «ارزش» می‌داند

### کار، بچه‌ها را مسئولیت‌پذیر می‌کند

محمدمصطفی احمدزاده، متولد ۱۳۶۴ در مشهد است. سال ۱۳۸۵ لیسانسش را در رشته شیمی کاربردی گرفته و به گفته خودش پس از آن مشاغل زیادی را تجربه کرده‌است تا اینکه سرانجام تصمیم گرفت کارش را در زمینه تأسیسات ادامه دهد. از بچگی کار کرده و بافضای کار آشناست. اما آنچه موجب شد سراغ او برویم ایده جالبی است که او برای «بچه‌های مسجدی» پیاده کرده‌است. او بچه‌ها را تشویق می‌کند که در فصل تابستان بروند سرکار و از آن‌طرف هم خودش تلاش می‌کند برای آن‌ها استادکارهای مطمئن و بااخلاق پیدا کند. گفت‌وگوی ما با او اینگونه است:

■ **لطفاً درباره چرایی و چگونگی شکل گرفتن ایده‌و طرح خود توضیح دهید**  
همه‌چیز از وقتی شروع شد که من دیدم در تابستان بخشی از بچه‌ها کلاس‌های ما را در مسجد شرکت نمی‌کنند. پرس‌وجو کردیم و متوجه شدیم یک عده‌می‌روند سر کار. ماهم به‌عنوان یک فرصت به این ماجرا نگاه کردیم. از یک‌طرف خانواده‌می‌خواست بچه‌را یک جای مطمئن بفرستد؛ از طرف دیگر این بچه‌ها به حرف ما گوش می‌کردند و از طرفی هم ما یک‌سری اوستاکارهایی می‌شناختیم که آدم‌های خوبی هستند و دنبال شاگرد مطمئن بودند. این شد که نقش واسطه را بازی کردیم و یک عده از بچه‌ها را معرفی کردیم. مشکلی هم اگر پیش می‌آمد باز ما حل‌وفصل می‌کردیم.

■ **خانواده‌ها چقدر به حرف شما گوش می‌کنند؟ مثلاً موردی داشته‌اید که بچه خودش کار پیدا کرده باشد ولی شما تأیید نکنید و خانواده گوش کند به حرف شما؟**

بله‌بوده. مثلاً یک مورد داشتیم بچه‌رفته بود گیم‌نت کار پیدا کرده‌بود. بعدما می‌دیدیم هرچه در کلاس‌های مسجد به این بچه‌باد می‌دهیم، وقتی می‌رود سر کار، ۱۸۰ درجه بدتر می‌شود. الفاظ زشت، کارهای ناشایست و... این شد که به‌خانواده گفتیم و آن‌ها هم قبول کردند. یا مثلاً بچه چهارم دبستان داشتیم که می‌خواست برود سر کاری که سنگین بود برایش؛ ما هم گفتیم تو امسال برو یک جای دیگر. ما با خانواده‌ها روابط نزدیکی داریم. حتی گاهی آن‌ها مشکلات بچه‌ها را به ما می‌گویند و دنبال راه‌حل می‌گردند.

■ **اینکه بچه برود سر کار برای شما چقدر اولویت دارد؟**  
ببینید اول اینکه نیاز باید باشد؛ یعنی بچه باید یک جوری احساس نیاز کند به‌کار. به‌زور نمی‌شود او را فرستاد سر کار ولی بچه دنبال بازی هم هست دیگر. به همین خاطر ما یک‌سری رفتارهای تشویقی هم داریم؛ مثلاً وسط کلاس‌ها، آن‌هایی را که رفته‌اند سر کار تشویق می‌کنیم و آن‌ها را الگویی کنیم یا مثلاً اگر یک دانش‌آموزی رفته باشد سر کار و دو جلسه کلاس نیاید از اردو حذفش نمی‌کنیم. وقتی بچه‌ها می‌پرسند او چرا با اینکه غیبت کرده اردو می‌آید دوباره روی ارزش کار تأکید می‌کنیم.

■ **اصرار دارید بچه کار خاصی یاد بگیرد یا فقط سر کار رفتن برایشان کافی است؟**

بستگی دارد. در بچه‌هایی که سن و سال پایینی دارند همین که پیش یک نفر مطمئن بروند و بافضای کارکردن، تعامل برقرار کردن و قوانین حاکم بر بازار آشنا شوند کافی است؛ مثلاً کار در سوپرمارکت. اما بچه‌های بزرگ‌تر را سعی می‌کنیم به‌سمت کارهایی هدایت کنیم که حرفه‌و شغل یاد بگیرند یا اگر در حال حاضر سر کار خوبی می‌روند، توصیه می‌کنیم پیشرفت داشته باشند و به دانش قدیمی که اوستا به آن‌ها یاد داده‌است پسند نکنند.

■ **این بچه‌ها در مسجد هم به‌کار گرفته‌اید؟**  
ظرفیت بچه‌ها متفاوت است. بعضی در تابستان آزادی بیشتری دارند و یک تعداد در ایام مدرسه؛ چون تابستان می‌روند سر کار. باوجود این، آخرین برنامه‌ای که اجرا کردیم رنگ‌آمیزی در یکی، دو تا از مسجد‌های محل بود. پیش از عید رنگ تهیه کردیم و بچه‌هایی که رفته بودند رنگ‌کاری، در دیوار و نرده‌های مسجد را رنگ‌آمیزی کردند. یک عده کار فنی بلدند، یک عده هم کارهایی مثل حسابداری که امور مالی مسجد را رفع و رجوع می‌کنند. از بچه‌های کوچک‌تر هم در کارهایی مثل انبارداری و کتاب‌داری استفاده می‌کنیم. یکی از بچه‌ها هم که با خودمان برق‌کاری یاد گرفته، همین اواخر در یک نمایشگاه که در قالب خیمه برگزار شده بود، کارهای برق‌کاری را انجام داد و کارمان را راه‌انداخت.

■ **پس از سر کار رفتن، مهم‌ترین تغییری که در بچه‌ها دیده‌اید چه بوده‌است؟**  
حس مسئولیت‌پذیری. بیشتر بچه‌ها وقتی سر کار می‌روند مسئولیت‌پذیرتر می‌شوند. بقیه هم نگاهشان به آن‌ها متفاوت می‌شود. کم‌کم متوجه می‌شوند که پدر وقتی می‌رود سر کار چه حسی دارد. کم‌کم می‌خواهند نقش پدر را بگیرند؛ البته واقعاً درباره ارزش کار و این مسائل چیزی نمی‌دانند ولی می‌دانند می‌خواهند نقش پدر را بگیرند.

■ **برای خرج کردن پولشان هم توصیه‌هایی به آن‌ها می‌کنید؟**  
بله؛ البته مرحله بعدی است. حتی شده بعضی از بچه‌ها پول‌هایشان را می‌دهند به من؛ من یک حساب برایشان باز می‌کنم و اگر لازم داشت کارت‌ش را می‌دهم به خودش تا هرچقدر می‌خواهد خرج کند.

■ **از بین تحصیل و کار کدام را بیشتر توصیه می‌کنید به بچه‌ها؟**  
من توصیه می‌کنم هر دو را باهم داشته باشند. این اشتباه محض است که بخواهی دانشگاهت تمام بشود بعد بروی دنبال کار. اگر هم فقط بروی دنبال کار درست نیست.

■ **خودتان از اینکه نقش به‌اصطلاح واسطه را بازی کنید و این همه دردرس داشته باشید چه هدفی دارید؟**

من نگاهم به کار و کار کردن یک نگاه فرهنگی است. حضرت آقا هم که اعلام کردند هر کس می‌تواند با هر قدرت و توانی وارد عرصه فرهنگی شود. علاوه بر این، ایشان در تمام این سال‌ها می‌خواهند فرهنگ کار را جا بیندازند. ما نمی‌خواهیم در مسجد به بچه فقط قرآن یاد بدهیم؛ می‌خواهیم به بچه زندگی هم یاد بدهیم. یکی از کارهای فرهنگی جدی که در مساجد می‌شود انجام داد، همین ارزشی کردن کار و نگاه فرهنگی به کار است.

